

# بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین

تاریخ پذیرش: 1398/02/05

تاریخ دریافت: 1397/11/23

محمد مهدی مظفری<sup>1</sup>، کلثوم روشن قیاس<sup>2</sup>، محرمعلی بلباسی<sup>3</sup>

از صفحه 97 تا 118

## چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی و اجتماعی، ارتکاب افراد به جرم و بزهکاری است، که از دیرباز گریبان‌گیر جوامع انسانی بوده و سلامت افراد جامعه را به خطر می‌اندازد. افرادی که منحرف شناخته می‌شوند، نتوانسته‌اند خود را با موازین و قوانین اجتماعی جامعه وفق دهند. این عدم توازن و ناهماهنگی، علل متعددی دارد که ریشه و علل آن را باید هم در فرد و هم در جامعه جستجو نمود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین نگاشته شده است.

**روش‌شناسی:** روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی می‌باشد، جهت انتخاب نمونه پژوهش از بین کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر قزوین که در سال تحصیلی 96-1395 مشغول به تحصیل بوده‌اند، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد 450 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته، که روایی آن از طریق متخصصان و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ (0/71) محاسبه شد.

**یافته‌ها:** باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون در سطح معناداری (0/05) ارتباط بسیار قوی بین بی‌سازمانی اجتماعی و مدیریت ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی (0/25) بر بزهکاری وجود دارد. همچنین یافته‌های بدست آمده از آزمون رگرسیون چندگانه، نشان‌دهنده این واقعیت است، تعامل با همسالان بزهکار و یافتن همدست (0/68)، نگرش مساعد (0/71) و شبکه و نحوه روابط بین افراد (0/72) با مقدار بتا (0/47)، در سطح بالا در بزهکاری نوجوانان دارد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که کاهش روابط بین خانواده و دوستان، نگرش مثبت نوجوانان به بزه و جرم و وجود همدستان مشکل‌دار شرایط را برای بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی فراهم نموده، که زمینه بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری نوجوانان را محیا می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** بی‌سازمانی اجتماعی، نگرش مساعد، وجود همدست، شبکه روابط، نوجوانان.

1- دانشیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران. رایانامه: mozaffari@soc.ikiu.ac.ir

2- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مدرس مرکز آموزش علمی کاربردی بهزیستی (نویسنده مسئول)، رایانامه: saghi7726@yahoo.com

3- کارشناس مددکاری اجتماعی.

## مقدمه

امروزه نوجوانان سرمایه اصلی جوامع‌اند که در پویایی و تداوم حیات اجتماعی و توسعه همه جانبه آن در آینده، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت، که بزه و جرم آنان می‌تواند به عنوان یک معضل جدی و بغرنج در راه شکوفایی و پرورش استعداد‌های بالفعل و پیشرفت یک کشور و یک شهر قلمداد شود (جلایی‌پور و حسینی‌نثار، 1387). باتوجه به این‌که روابط اجتماعی اعضای جامعه براساس نظم و به واسطه هنجارهای اجتماعی تنظیم و مدیریت می‌شود، افراد با رعایت قوانین تعیین شده، موجب تعادل و نظم در جامعه می‌شوند (فاطمی، 1395). بنابراین از اساسی‌ترین دل‌مشغولی‌های جامعه‌شناسان پرداختن به، مؤلفه بی‌نظمی و ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح خرد و کلان بوده است (فیروزجائیان، 1396). بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی را می‌توان شرایطی دانست که بایدها و نبایدهای اجتماعی در آنها به هر شکل و شیوه‌ای توسط افراد جامعه رعایت نمی‌شود (احمدی، 1393). از طرفی بی‌نظمی اجتماعی در طول تاریخ حیات اجتماعی افراد، همواره با تقابل صنعتی شدن و نوسازی اقتصادی جوامع دچار تغییر بوده است. نئومن و برگر<sup>1</sup> (2006) معتقدند که بین بزه و جرم با مدرنیزاسیون و با عواملی نظیر شهرنشینی، تقسیم کار، بی‌سازمانی اجتماعی، آنومی، ارزش‌های مدرن و ناهمگونی فرهنگی همبستگی وجود دارد. در ایران نیز به دلیل تصویب و اجرای برنامه‌های توسعه، شاهد تغییر هنجارهای اجتماعی بوده‌اند، که این عامل باعث تشدید پیامدهای اجتماعی از جمله؛ افزایش جرم و جنایت، فقر، بزهکاری که وضعیت بحرانی ویژه‌ای را برای جامعه ایجاد کرده است (مبارکی، 1383). تضعیف نظم اجتماعی به عنوان نیروی غیررسمی کنترل اجتماعی که، در نتیجه تغییرات نوین اجتماعی، موضوعی است که ذهن اکثر دانشمندان را از دیر باز به خود معطوف کرده است. از مهم‌ترین صاحب‌نظرانی که در این زمینه فعالیت نموده‌اند، نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشند. نظریه‌پردازان بی‌سازمان اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی و اثربخشی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده، تضعیف قیود خویشاوندی و کاهش انسجام سنتی اجتماعی که نتیجه رشد سریع صنعتی شدن،

1 - Neumann and Burger

شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است؛ موجب تشدید جرایمی مانند قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد شده است. که منجر به بی‌نظمی در ساختار محل سکونت افراد شده که سست شدن پیوندهای عاطفی افراد نسبت به همدیگر و اجتماع را به دنبال خواهد داشت. همچنین تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات و ناهنجاری‌های سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود می‌آید و باعث احساس ناکامی در افراد، انهدام کنترل اجتماعی و تشدید جرم و بزه می‌شود. بنابراین در این پژوهش به بررسی نقش بی‌سازمانی اجتماعی در بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی نوجوانان در شهر قزوین پرداخته شده است.

### بیان مسأله

یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن، بی‌سازمانی اجتماعی است که با تأکید بیش از حد بر ارزش‌های شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی افراد نمود یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته است، که زمینه‌ای برای تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه و ناخالص ملی شده است. عواملی هم چون رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسار گسیخته جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف، رشد ارتباطات موزاییکی، فردگرایی، ضعف نهادهای و اعتقادات مذهبی و از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشند. جامعه‌شناسان معتقدند جوامع امروزی در بازده زمانی کنونی، بحران روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. از دیدگاه ایشان، مشارکت شهروندان در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی، پیش شرط اساسی توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، بنابراین عدم مشارکت افراد و شیوع بی‌سازمانی اجتماعی یک عامل قوی در توسعه‌نیافتگی و گسترش جرم و بزه در جوامع می‌باشد. بنابراین عدم توجه به احساس دل‌بستگی فرد به جامعه، برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های اجتماعی، جامعه و افراد فاقد هرگونه پشتوانه خواهد بود، زیرا اجرای برنامه‌ها و کارآمدی آنها، متضمن علاقه مردم به تداوم حیات اجتماعی و همبستگی با

جامعه است. اگر در هر جامعه هرکس به فکر خود باشد، سازگاری، همبستگی و وحدت اجتماعی از بین خواهد رفت و افراد در جهت حفظ نهادهای اجتماعی و صیانت از دستاوردهای فرهنگی نخواهند بود، افراد به رعایت هنجارها و تمسک به ارزش‌ها نمی‌اندیشد. چنین وضعیتی به تدریج آشفتگی و ازهم گسیختگی شدید اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است چنین جامعه‌ای شرایط رشد و توسعه یافتگی را نخواهد داشت (بیدل، 1391). بنابراین هنجارها، بایدها و نبایدهای اجتماعی تعیین می‌کند، فرد چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد، باید چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند، چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی اجتناب ورزد. به همین دلیل هر کس تلاش می‌کند رفتارهای خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد. زمینه بسیاری از بی‌نظمی و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه نهفته است و آن زمانی است که جامعه کارکرد لازم را از دست بدهد و نتواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد باشد و چنانچه افراد نتوانند در رسیدن به اهداف مورد نظر موفق شوند، جامعه پتانسیل لازم جهت پاسخ‌گویی به نیازها آنان را ندارد و نظم و پایداری جامعه دچار خدشه می‌شود و نوعی آنومی و با بی‌هنجاری به وجود خواهد آمد (اسفندیاری، 1381). از این رو در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه‌ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب‌شونده، تنها بخشی از آن قضیه می‌باشد. هنجارهای اجتماعی با سه ویژگی اجبار، عمومیت و خارجی بودن، جامعه را اداره نموده و نظم اجتماعی را برقرار می‌کنند. تضعیف هر یک از این ویژگی‌ها اختلال هنجاری و بی‌نظمی را به همراه خواهد داشت. متأسفانه افراد یک جامعه همواره در مسیر بهنجار رشد روانی و اجتماعی قرار نمی‌گیرند و به دلایل گوناگون تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان توان دریافت محرک‌های بیرونی و ایجاد توازن بین اثرات این محرک‌ها و انگیزه‌های درونی خود را ندارند و بدین ترتیب رشد موزون و همه‌جانبه که هدف اصلی تعالی انسان به طور کامل و حتی گاه به طور نسبی است، تحقق نمی‌یابد. در این میان هرچه جامعه پیچیده‌تر و ارتباطات فردی و اجتماعی وسیع‌تر گردد، تعارض‌های درونی و محیطی نیز سیر صعودی می‌کنند و این موجب سرگشتگی و آشفتگی بیشتر فرد می‌شود. براساس آموزه‌های جامعه‌شناختی زمانی که زمینه و بستر بروز ناهنجاری آماده باشد، ارتکاب بزهکاری بیشتر خود را نشان

می‌دهد. چون انسان در تعامل با جامعه، محیط و همچنین اجتماعی شدن و اجتماعی زیستن هویت پیدا می‌کند و در ارتباط با دیگران نیازهایش را مرتفع می‌نماید. گاهی افراد به خاطر عدم فرهنگ‌پذیری و مخالفت‌های هرسناک از یک طرف و عدم تطبیق خود با موقعیت‌های جدید از طرف دیگر و تأمین نشدن نیازهای اولیه به جهت ناکارایی و نداشتن مهارت از طرف دیگر موجب سرخوردگی و انزوا شده و موج مخالفت را در شکل‌های بزهدکاری و مجرمیت بارز می‌سازد (سرهنگ‌زاده، 1394). بنابراین مسأله بزهدکاری و انحراف نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان است و هم اکنون نیز، از مباحث عمده بسیاری از صاحب‌نظران است. مروری بر کثرت جرایم در جهان، گویای این واقعیت است که بزهدکاری یکی از مسائل عمده جوامع کنونی است. جرم‌شناسان معتقدند که بزهدکاری نوجوانان را باید جنبه‌ای مهم و شاخص از آنچه، به ایجاد انواع مختلف رفتارهای بزهدکارانه جوانان و بزرگسالان کمک می‌کند، در نظر گرفت. این قشر از افراد جامعه، موتور حرکت و شریان حیاتی هر کشوری محسوب می‌شود که در رشد و توسعه نظام اجتماعی و شکوفایی همه جانبه آن در آینده، نقش مؤثری خواهند داشت. لذا پژوهش حاضر، درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که میزان بزه و جرم در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر قزوین تا چه حدی مربوط به بی‌سازمانی اجتماعی است؟ بی‌سازمانی اجتماعی چه تأثیری در ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی دارد؟

### پیشینه پژوهش

احمدی (1393) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه میزان کنترل اجتماعی بی‌نظمی در بین شهروندان دهدشت انجام داده است. براساس یافته‌های این پژوهش، رابطه منفی و معناداری بین کنترل اجتماعی و بی‌نظمی وجود دارد و کنترل اجتماعی می‌تواند تبیین‌کننده بی‌نظمی باشد و با گسترش مکانیزم‌های کنترل رسمی و غیررسمی در جامعه می‌توان بی‌نظمی را به میزان درخور توجهی کاهش داد.

صادقی فسایی و امینیان (1393)، پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی نظم اجتماعی با توجه به انواع هنجارگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است که متغیرهایی چون کنترل رسمی، کنترل غیررسمی دارای

ارتباط معنادار با متغیر هنجارگرایی هستند. از آنجائیکه در این پژوهش متغیر هنجارگرایی یکی از متغیرهایی بود که برای سنجش نظم اجتماعی از آن استفاده شد. می‌توان به رابطه کنترل رسمی و غیررسمی با نظم اجتماعی پی برد.

خاچکی (1395) پژوهشی با عنوان تأثیر ضعف کنترل اجتماعی بر بی‌نظمی اجتماعی فیزیکی شهروندان تهرانی انجام داده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بی‌نظمی اجتماعی با ضعف کنترل اجتماعی رابطه معنادار دارد. به این صورت که با ضعیف‌تر شدن مرتبه اجتماعی در بین شهروندان تهرانی بی‌نظمی و ناهنجاری‌های اجتماعی در بین آنها افزایش می‌یابد. اما بی‌نظمی فیزیکی تحت تأثیر متغیر ضعف کنترل اجتماعی قرار ندارد و رابطه بین این دو متغیر دیده نشده است.

فیروزجائیان (1396) پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی بی‌نظمی (فیزیکی - اجتماعی) در فضای شهری انجام داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که میزان کل بی‌نظمی در میان شهروندان تهرانی در حد متوسط است. در تحلیل دو متغیره، همه متغیرهای مستقل با بی‌نظمی در دو بُعد آن رابطه معنادار و مثبتی داشته‌اند. همچنین مؤلفه‌های ذهنی فرسایش سرمایه اجتماعی (بی‌اعتمادی اجتماعی، هنجارهای ذهنی مشارکت، احساس انومی) توانستند 24 درصد و مؤلفه‌های عینی فرسایش سرمایه اجتماعی (ضعف روابط رسمی و غیررسمی و ضعف کنترل اجتماعی) 19 درصد از تغییرات بی‌نظمی در دو بُعد آن (فیزیکی - اجتماعی) را تبیین کنند. در کل فرسایش سرمایه اجتماعی (عینی و ذهنی) توانسته است 42 درصد از تغییرات بی‌نظمی را تبیین کند.

گرای<sup>1</sup> (2010)، در پژوهش خود به صورت ضمنی و تلویحی به بی‌نظمی توجه کرده است. او در پژوهشی با عنوان احساس و عملکرد در ترس از جرم از طریق داده‌ها حاصل از پیمایش درباره جرائم محلی نشان داده است که برخی از پاسخ‌گویان، نشانه‌های بی‌نظمی فیزیکی را به مشکلات مربوط به اجتماع، انسجام اجتماعی و همچنین به کیفیت رو به زوال پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی ربط می‌دهند. بنابراین این دسته از پاسخ‌گویان میان کنترل اجتماعی غیررسمی و بی‌نظمی فیزیکی ارتباطی مشاهده می‌کنند.

1 - Grai

مارک کوشینگ<sup>1</sup> (2014)، در پژوهش پیمایشی خود که بر روی 1419 نفر از همشهریان خود در محله با عنوان بی‌نظمی، سرمایه اجتماعی و نقص هنجار انجام گرفته است، علاوه بر بحث نظریه پنجره شکسته، آنها چهارچوب کلاسیک جرم منطقی را علائم بی‌نظمی، کنترل اجتماعی محلی و تعاملات خود اصلاح نموده‌اند. با آزمایش مفاهیم خود، نتایجی از سه آزمایش زمینه‌ای را ارائه نمودند که نشان‌دهنده، بی‌نظمی فیزیکی و بی‌نظمی اجتماعی با نقص هنجارها صورت می‌گیرد؛ نقص بیشتر هنجارهای مشابه و هنجارهای مختلف را تسریع می‌نماید. آنها شواهدی دال بر این ارائه داده‌اند که تأثیرات بی‌نظمی تا حد معناداری در مجاورت با سرمایه اجتماعی پایین، نمایانگر می‌شوند.

پیسار<sup>2</sup> (2019) پژوهشی با عنوان تکامل پدیده جرایم نوجوانان و اجتماعی شدن مجرمان سوری در رومانی 2019 انجام داده‌اند که به توصیف پدیده بزهدکاری نوجوانان در رومانی؛ شناسایی علل اجتماعی و عوامل بزهدکاری نوجوانان؛ و تجزیه و تحلیل تحریم‌های دروغین در مورد افراد زیر سن قانونی پرداخته شده است.

## مبانی نظری

### بی‌سازمانی اجتماعی

مهم‌ترین تعریفی که از بی‌سازمانی اجتماعی شده است، توسط توماس و زنانیسکی<sup>3</sup> حدود سال 1910 عنوان گردیده است. از دیدگاه آنها بی‌سازمانی اجتماعی عبارتند از: ضعف هنجارها در نظارت بر نقش‌ها و رفتارهای افراد اجتماع. فاریس<sup>4</sup> معتقد بود که بی‌سازمانی از آشفتگی در الگوها و مکانیسم روابط انسانی پدید می‌آید و بی‌سازمانی اجتماعی زمانی مشاهده می‌شود که قسمت‌های مختلف الگوها و مکانیسم روابط، انسجام خود را از دست بدهند. که کاهش وحدت و هماهنگی در جوامع از شرایط اولیه بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشد. برطبق نظر فاریس<sup>5</sup>، اساسی‌ترین ویژگی بی‌سازمانی اجتماعی، که میزان جرائم و بزهدکاری را، تحت شعاع قرار می‌دهد؛ هنگامی پدیدار می‌شود که، مکانیسم نرمال کنترل اجتماعی شکست بخورد. به نظر او، تغییرات

1 - Mark Cushing

2 - Pissar

3 - Thomas And Znaniecki

4 - Faris

5 - Freys

اجتماعی؛ جوامع مدرن را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تضعیف کنترل‌های همسایگی و خانواده شده است (فاریس، 1998). الیوت و مریل<sup>1</sup> بی‌سازمانی اجتماعی را فرآیندی که موجب شکسته یا لاینحل شدن، روابط بین اعضای یک گروه، تعریف می‌کند (الیوت و مریل، 2000). به اعتقاد مرتن<sup>2</sup> بی‌سازمانی اجتماعی، شامل ترکیبی از اشکالات در ساختار هنجاری جامعه یا سازمان یافته نبودن ساختار پایگاه‌ها و نقش‌ها در جوامع است. در این نظام یا الگوهای اجتماعی رفتار از بین می‌رود یا نقش‌های شخصی به وجود می‌آید، که به اندازه کافی توسط فرایندهای اجتماعی، کنترل، آنالیز یا رفع نمی‌گردد و یا آن‌که نظام اجتماعی به محیط، وابستگی نشان نمی‌دهد. فرایند روابط میان اعضای جامعه، حداقل همبستگی اجتماعی را حفظ نمی‌کند. بی‌سازمانی اجتماعی برخلاف کجروی ناشی از سازماندهی نادرست پایگاه‌های اجتماعی در ساختار اجتماعی دارای همبستگی منطقی و نرمال است و مردم در این حالت با نقش‌هایشان در درون نظام هم‌نواپی و هم‌سویی دارند ولی رفتارشان به نتیجه مورد قبول نمی‌رسد. بی‌سازمانی اجتماعی به دلیل نارسایی و وقفه در کانال کارآمد ارتباطی میان مردم، تفاوت و تضاد منافع گروه‌های متفاوت در جامعه، نقص در فرآیندهای اجتماعی شدن و بالاخره تعارض میان نقش‌های متفاوتی که یک فرد در جامعه ایجاد می‌شود (امیر کافی، 1387).

### بی‌نظمی اجتماعی

ناهنجاری و بی‌نظمی، کلیه موقعیت‌های محیط فیزیکی و اجتماعی است که برای افراد نشان‌دهنده، فقدان کنترل بر محیط و عدم توجه به ارزش‌ها و خواسته‌های سایر افراد که در فضا سهیم‌اند، می‌باشد. ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌ها اجتماعی دربرگیرنده تخلف از معیارهایی و شرایط اجتماعی است که، نشانگر فرسایش هنجارها و ارزش‌هایی‌اند که افراد به طور سنتی پذیرفته‌اند. نشانه‌های آشکار ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی اجتماعی دربرگیرنده افرادی است که، در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، مستی در انظار عمومی، خرید و فروش مواد مخدر، تکدی‌گری، افراد کارتن‌خواب و امثال این‌هاست (فتحی، 1389). ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی فیزیکی هم به ظاهر محل زندگی اشاره دارد. شامل ساختمان‌های متروکه، دیوار نبشته، وجود زباله‌ها در جوی‌ها و امثال

1- Elliot And Merrill

2 - Merton



معمول است. ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی محلات به شرایطی اشاره دارد که ساکنان آنها را به عنوان نشانه‌های گسست تلقی می‌کنند (راس و جون جانگ<sup>1</sup>، 2010).

### نظریه‌های بی‌سازمان اجتماعی و بی‌نظمی

**رویکرد کارکردگرایی ساختاری:** کارکردگرایان ساختاری بر این باورند که هر عنصری محوری در اجتماع، یا بخشی از راه‌حل است و یا بخشی از خود مسئله می‌باشد. وقتی تغییری شگرف در شرایط اجتماعی روی می‌دهد، نتیجه عموماً نامطلوب است. جامعه به وضعیتی به نام آنومی یا بی‌هنجاری وارد می‌شود که به نظر می‌رسد در آن، قواعد معمول حاکم بر رفتار دیگر کاربرد ندارد. کارکردگرایان ساختاری، بُعد بی‌هنجاری را در مورد رفتار اجتماعی فرد به کار گرفتند و مدعی شدند که جرم یک واکنش محتمل است، در زمانی که واقعیت زندگی از رویا بسیار فاصله می‌گیرد (دویچ، کراکت، ولف و راسل<sup>2</sup>، 2012).

**ساخت اجتماعی و آنومی:** مرتن بر مسئله ساخت هنجاری و تأکید بر آرزوها و امیالی که هنجارها آنها را مورد تأکید قرار می‌دهند و باعث خودگرایی می‌گردد و یا به بی‌هنجاری می‌انجامد تأکید دارد. و کج‌رفتاری را انطباق نرمال با محیط اجتماعی خودگرا در نظر می‌گیرد و برعکس مسئله ارتباط آن را با ابعاد بیولوژیکی و فقدان کنترل اجتماعی در نظر نمی‌گیرد. او در اثر خود در این زمینه دو عنصر اصلی یا دو بُعد اصلی را مطرح می‌سازد، در ساخت فرهنگی اول اهداف تعریف شده فرهنگی را در نظر می‌گیرد و بعد ابزار نهادی شده رسیدن به آن را مطرح می‌سازد. در یک جامعه منظم اهداف و ابزار یا شیوه‌ها در هماهنگی، یگانگی و تطابق به سر می‌برند، هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق، زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزن بر اهداف و یا ابزار یا شیوه‌های دستیابی به هدف قرار گیرد. گاهی تأکید بر اهداف در مقایسه با تأکید بر شیوه‌های نهادی شده دستیابی به آن بسیار قوی‌تر است (مرتن، 1975).

1- Ross & Joon Jang

2-Deutsch, Crockett, Wolff & Russell

## نظریه ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی<sup>1</sup>

نظریه بی‌نظمی اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی، بیشتر از اینکه بر روی ترس از جرم، تأکید کند بر روی میزان پیش‌بینی جرم تأکید دارد. این تئوری برای اولین بار توسط محققان دانشگاه شیکاگو، مطرح شده است. در طول قرن 19 شیکاگو، شاهد رشد سریع و چشمگیری از هجوم مهاجران خارجی، آفریقایی و آمریکایی از جنوب بوده است. این تازه‌واردان اغلب در نزدیک مرکز شهر و کارخانه‌ها مستقر شدند. محله‌های درون-شهر، بزودی به مکانی کثیف و آلوده از آلوده‌گی‌های صنعتی تبدیل شد و باعث انتقال بیماری از مردم این مناطق و رفتن آنها به محله‌های دیگر شد، بنابراین این مناطق تحت عنوان مناطق گذر و انتقال، نامیده شد. همچنین شائو و مک‌کی (1942)<sup>2</sup>، از نظریه مناطق در حال گذر، جهت توصیف بزهکاری نوجوانان استفاده کردند. آنها چنین نظری داشتند که فقر، رشد سریع جمعیت و تفاوت نژادی باعث اختلال و بی‌نظمی در مؤسسات اجتماعی مانند: خانواده، کلیسا و مدارس شده‌اند. به گونه‌ای که دیگر این مؤسسات و سازمان‌ها قادر به کنترل و هدایت جوانان و فعالیت‌های آنان نمی‌باشد. نوجوانان و جوانان بیشتر مایل به پرسه زدن در خیابان‌ها و پرداختن به مشاغل جرم و جنایت و بزه‌کاری بودند و بنابراین میزان جرم و جنایت و بی‌نظمی اجتماعی افزایش یافته بود (مک‌کرا<sup>3</sup>، 2005).

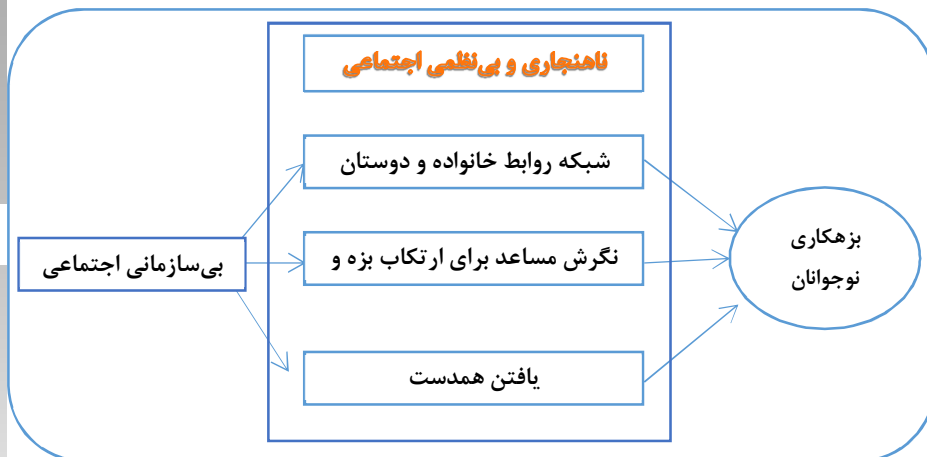
### مدل مفهومی پژوهش

برای تعیین نقش مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان، با استفاده از نظریه‌های مطرح شده رابطه مورد نظر تبیین و مورد بررسی قرار گرفته شده، و مدل تحلیلی زیر ارائه شد:

1-Social disorganization theory

2-Shaw&McKay

3- McCrea



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی- پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه، دانش‌آموزان متوسطه دوم 96-1395 مشغول به تحصیل بودند. که نمونه آن، براساس جدول کرجسی و مورگان شامل 450 دانش‌آموز بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده شده است، روایی پرسشنامه از طریق کسب نظرات متخصصان درباره صحت گویه‌ها و هماهنگی با ابعاد متغیر، که در مجموع با توجه به فراوانی پاسخ‌های مناسب، گویه‌های پرسشنامه تأیید شد. پایایی سوالات پرسشنامه این پژوهش براساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است که دامنه آن بین 0 تا 1 می‌باشد بر این مبنای پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود.

جدول 1- ضرایب پایایی پرسشنامه بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی

ضریب پایایی	ضریب آلفای کرونباخ
بی‌سازمانی اجتماعی	0/74
شبکه روابط	0/71
یافتن همدست	0/74
نگرش مساعد	%73
کل	%71

### الف) یافته‌های توصیفی

براساس نتایج بدست آمده، میانگین سن پاسخ‌گویان تقریباً 14 سال می‌باشد. سطح تحصیلات پدر، مقطع متوسطه 46/41 درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. سطح تحصیلات مادر، مقطع تحصیلی راهنمایی 38/17 درصد بیشترین فراوانی کسب شده می‌باشد. وضعیت شغلی پدر، کارگری با 49/09 درصد، و شغل اکثر مادران خانه‌دار، با 78/9 درصد بیشترین فراوانی است. 38/3 درصد از پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که در محل سکونت‌شان افراد معتاد دیده شده است. 64/5 درصد از دانش‌آموزان عنوان نموده‌اند که ما مجبوریم در این مکان زندگی کنیم. 89/6 درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که در محله‌شان متکدی وجود دارد. 66/9 درصد از دانش‌آموزان بیان نموده‌اند که محیط مدرسه (کلاس درس، معلم و مدرسه) محیطی خسته‌کننده است. 39/6 درصد از افراد نیز بیان نموده‌اند که معلمان و دیگر اعضای مدرسه بین آن‌ها و سایر دانش‌آموزان تبعیض قائل می‌شوند. 65/3 درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که این روزها پیروی از قانون اهمیت چندانی ندارد. 71/6 درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که اغلب به فکر خودم می‌باشم حتی اگر این کار به ضرر دیگران تمام شود. 81/7 درصد از افراد بیان کرده‌اند که وقتی کار نادرستی انجام می‌دهند خودشان را مقصر نمی‌دانند. 61/9 درصد از پاسخ‌گویان با این سوال که این روزها برخی بر این عقیده‌اند که در جامعه باید عین گرگ باشی والا مردم تو را له می‌کنند، موافق بوده‌اند. بنابراین مجموعه نمرات گویه‌های مرتبط با متغیر بی‌سازمانی اجتماعی 62/37 درصد است که با در نظر گرفتن حداکثر 106 و حداقل 29 در حد متوسط رو به بالا قرار دارد. همچنین مجموعه نمرات گویه‌های مرتبط با متغیر ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی 67/54 می‌باشد که با در نظر گرفتن حداکثر 98 و حداقل 19 در حد متوسط رو به بالایی قرار دارد. در نهایت مجموع نمرات گویه‌های طراحی شده جهت سنجش متغیر نگرش به بزهکاری، بر طبق نتایج بدست آمده، میانگین بدست آمده برابر 29/08 درصد می‌باشد که این مقدار با در نظر گرفتن حداکثر 45 و حداقل 13، در حد متوسط قرار دارد.

## ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه 1- بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی در بزهکاری نوجوانان تأثیر دارد.

براساس یافته‌های بدست آمده، بین دو متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی در بزهکاری با ضریب همبستگی 0/25 در سطح آلفای 0/05 رابطه وجود دارد. که با افزایش بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی، میزان بزه و جرم نیز در سطح متوسط افزایش می‌یابد. بین دو متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و شبکه روابط با ضریب همبستگی 0/45 در سطح آلفای 0/05 رابطه وجود دارد. به عبارتی هر چقدر بافت روابط مستحکم باشد، بی‌سازمانی اجتماعی کاهش می‌یابد. موجب کاهش ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی اجتماعی می‌شود. همچنین بین دو متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش‌های مساعد برای ارتکاب بزه و جرم با ضریب همبستگی 0/38 در سطح آلفا 0/05 رابطه وجود دارد. به عبارتی با افزایش میزان بی‌سازمانی اجتماعی میزان نگرش مساعد برای انجام بزه و جرم نیز در سطح متوسط افزایش می‌یابد. در نهایت بین دو متغیر بی‌سازمانی اجتماعی بزه‌کاری و سهولت یافتن همدست با ضریب همبستگی 0/48 در سطح آلفای 0/05 رابطه وجود دارد. به عبارتی با افزایش میزان بی‌سازمانی اجتماعی میزان یافتن همدست را نیز در سطح بالایی افزایش می‌دهد.

جدول 2- ضریب همبستگی بین بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی در بزهکاری

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ناهنجاری و بی‌نظمی	0/25	0/05
شبکه روابط	0/45	0/05
نگرش مساعد برای ارتکاب بزه و جرم	0/38	0/05
تعامل با همسالان بزهکار همدست	0/48	0/05

براساس اطلاعات بدست آمده در آزمون رگرسیون بین دو متغیر بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی میزان تاثیرپذیری 0/25 درصد است. به عبارتی با افزایش یک نمره در بی‌سازمانی اجتماعی به میزان 0/25 درصد به ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی افزوده می‌شود. مقدار همبستگی بین دو متغیر مزبور 0/23 درصد است. همچنین میزان ضریب تبیین بین دو متغیر مذکور نیز 0/05 است.

جدول 3- آزمون رگرسیون دو متغیره بین بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی در بزهکاری

متغیرها	B	Beta	t	sig	R	R Square	Adjusted R Square	Std Error Of the Estimate	آنالیز واریانس یک طرفه
									sig F
ثابت	35/51	-	12/27	<0/0001	0/23	0/05	0/037	5/63	
بی‌سازمانی اجتماعی	0/25	0/20	5/008	<0/0001	-	-	-	0/08	<0/0001 16/09

یافته‌ها نشان داده، که میزان تاثیر بی‌سازمانی اجتماعی بر نگرش مساعد به جرم و بزه 0/18 درصد می‌باشد. به عبارتی با افزایش یک واحد در بی‌سازمانی اجتماعی به میزان 0/18 درصد به نگرش مساعد افراد به جرم و بزه اضافه می‌شود. همچنین مقدار همبستگی بین دو متغیر مزبور 0/21 درصد است. در نهایت میزان ضریب تبیین دو متغیر مزبور نیز 0/07 است.

جدول 4: آزمون رگرسیون دو متغیره بین بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش مساعد به جرم و بزه

متغیرها	B	Beta	t	sig	R	R Square	Adjusted R Square	Std Error Of the Estimate	آنالیز واریانس یک طرفه
									sig F
ثابت	34/21	-	11/31	<0/0001	0/21	0/07	0/007	5/61	
بی‌سازمانی اجتماعی	0/18	0/17	4/018	<0/0001	-	-	-	0/07	<0/0001 15/08

نتایج نشان داد، که متغیر بی‌سازمانی اجتماعی بر شبکه روابط 0/29 درصد تأثیر دارد یعنی با افزایش یک واحد در بی‌سازمانی اجتماعی به میزان 0/29 درصد بر شبکه و نحوه روابط افزوده می‌شود. همچنین مقدار همبستگی بین دو متغیر فوق 0/31 درصد است. که در نهایت میزان ضریب تبیین دو متغیر مزبور نیز 0/17 است.

جدول 5- آزمون رگرسیون دو متغیره بین بی‌سازمانی اجتماعی و شبکه روابط

متغیرها	B	Beta	t	sig	R	R Square	Adjusted R Square	Std Error Of the Estimate	آنالیز واریانس یک طرفه
									sig F
ثابت	30/60	-	19/30	<0/0001	0/31	0/17	0/107	5/81	
بی‌سازمانی اجتماعی	0/29	0/38	8/84	<0/0001	-	-	-	0/014	<0/0001 70/84

یافته‌ها گویای این مطلب می‌باشد که میزان تأثیرگذاری متغیر بی‌سازمانی اجتماعی بر سهولت یافتن همدست 0/45 درصد می‌باشد. به عبارتی با افزایش یک نمره در بی‌سازمانی اجتماعی به میزان 0/45 درصد بر سهولت یافتن همدست افزوده می‌شود. مقدار همبستگی بین دو متغیر مزبور 0/38 درصد است. همچنین میزان ضریب تبیین بین دو متغیر مذکور نیز 0/17 است.

جدول 6- آزمون رگرسیون دو متغیره بین بی‌سازمانی اجتماعی بر سهولت یافتن همدست

متغیرها	B	Beta	t	sig	R	R Square	Adjusted R Square	Std Error Of the Estimate	آنالیز واریانس یک طرفه
ثابت	40/61	-	13/17	<0/0001	0/38	0/14	0/140	5/10	
بی‌سازمانی اجتماعی	0/45	0/35	4/018	<0/0001	-	-	-	0/18	15/19 <0/0001

طبق یافته‌های بدست آمده، بین متغیرهای مستقل (تعامل با همسالان بزهدکار و یافتن همدست، نگرش مساعد و شبکه و نحوه روابط بین افراد) و بی‌سازمانی اجتماعی در سطح معنی‌داری (0/000) نشان‌دهنده این مطلب است مجموع متغیرهای مستقل، تغییر و تحولات بی‌سازمانی اجتماعی در بزهدکاری نوجوانان را تبیین می‌کنند. استقلال خطاها نیز با دوربین واتسن حاصله (1/89) یکی از پیش‌فرض‌های ضروری جهت انجام آزمون تحلیل رگرسیون است. همچنین ضریب همبستگی بین تعامل با همسالان بزهدکار و یافتن همدست برابر 0/68، نگرش مساعد 0/71 و در شبکه و نحوه روابط برابر 0/72 است که، نشان‌دهنده برقراری همبستگی بالا بین متغیرهای مستقل و وابسته است. مقدار ضریب تعیین شده در تعامل با دوستان بزهدکار و یافتن همدست برابر 0/41 درصد و نگرش مساعد 0/45 و در شبکه و نحوه روابط برابر 0/47 می‌باشد که بیانگر این است که، متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیونی که شامل یافتن همدست و نگرش مساعد می‌باشد، توانسته‌اند 0/47 درصد از بزهدکاری نوجوانان را تبیین نماید.

جدول 7- آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره بزهکاری نوجوانان

آنالیز واریانس یک طرفه		vif	Tolerance	Std Error Of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	sig	T	Beta	متغیرها
sig	F										
0/000		-	-	-	-	-	0/000	20/91	22/91		ثابت
0/000	241/651	1/40	0/75	0/031	0/034	0/38	0/58	0/000	15/67	0/63	بی‌سازمانی اجتماعی
0/000	210/142	1/55	0/72	0/038	0/047	0/41	0/68	0/000	14/81	0/57	تعامل با همسالان بزهکار همدست
0/000	218/324	1/45	0/68	0/045	0/061	0/45	0/71	0/000	6/63	0/25	نگرش مساعد
0/000	237/217	1/60	0/67	0/028	0/051	0/47	0/72	0/000	13/71	0/54	شبکه و نحوه روابط

### بحث و نتیجه‌گیری

ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی و عاطفی تأثیر مهمی بر نوجوانان و جوانان یک کشور دارند، مخصوصاً کشورهایی که در حال گذر از دوران پرآشوب و تنش دوران بلوغ هستند. در این دوره خود یا شخصیت پایه، دستخوش دگردیسی و تغییر می‌شود و نسبت به عوامل تعیین‌کننده خارجی، فیزیولوژیکی و درونی، آسیب‌پذیر و حساس می‌شود. اکثریت نوجوانان هنگامی که به سن پانزده سالگی می‌رسند با موقعیت و شرایط بزرگسالی مواجه می‌شوند، درحالی‌که هنوز توانایی مکفی برای پذیرش الزامات و مسئولیت‌های محیط کار، خانواده و جامعه را ندارند. و گاهاً دچار مشکلات بهداشتی می‌شوند در محل تحصیل خود موفقیت‌چندانی کسب نمی‌کنند و در مورد توانایی خود برای ورود به جامعه دچار تردید و بدبینی‌اند. تا جایی‌که معضلات و مسایل نوجوانان در جوامع امروزی به نگرانی عمده و موضوع مهمی برای مطالعات دانشگاهی تبدیل شده است، بزه‌کاری نوجوانان هم به دلیل خسارات وارده به قربانیان و به علت مشکلاتی که برای مرتکبان آن پیش می‌آید، حائز اهمیت است. کیفیت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، از نظریات مهم بزهکاری است، فرایند اجتماعی خاصی که در قالب آن افراد از



طریق تعامل با اشخاص و نهادهای مهم، آنچه را که دانستن آن برای بقاء و فعالیت در جامعه ضروری است. فرایند جامعه‌پذیری که تحت هدایت و نفوذ خانواده، گروه همسالان، همسایگان، معلمان و سایر افراد صاحب نفوذ و اقتدار قرار دارد. تأثیری مادام‌العمر بر خود انگاره، عقاید، ارزش‌ها و رفتار کودک و نوجوانان باقی می‌گذارد. براساس این دیدگاه، عواملی همچون یادگیری نگرش‌های بزهدکارانه از همسالان، احساس بیگانگی یا عدم تعلق نسبت به مدرسه و تجربه تضاد و درگیری خانواده به بروز رفتار اجتماعی کمک می‌کند، جامعه‌پذیری نامناسب باعث پرورش نوجوانانی دارای خودانگاره ضعیف می‌شود، که نسبت به نهادهای اجتماعی سنتی احساس بیگانگی می‌کنند و علاقه چندانی به سبک زندگی تابع قانون ندارند (نیک‌منش، 1394). بنابراین نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد، بی‌سازمانی اجتماعی و ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی بر بزهدکاری نوجوانان با میزان تأثیرپذیری 0/25 رابطه معنی‌داری دارد. این نتیجه همسو نتایج مارک کوشینگ (2014)، احمدی (1393) و صادقی (1393) می‌باشد. شاو و مک کی<sup>1</sup> (2007) معتقدند؛ در برخی از مناطق کم‌درآمد شهر، ارتکاب به بزه و جرم را حمایت و یا مجازات می‌کنند. همچنین روابط بین بزه‌کاری و تغییرات جمعیتی، خانه‌های مخروبه، زاغه‌نشینی، فقر و بیکاری را نشان دادند. همچنین براساس نظریات پارک و برگس، مناطق شهری که سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت در آنها، بالاترین نرخ جرم و بزه را دارند. در نظریه یادگیری اجتماعی به تأثیر نقش همسالان و دیگر افراد مهم در یادگیری و همانندسازی ارزش‌ها و رفتارهای منحرفانه اشاره دارد، براساس الگوی رشد اجتماعی، تعدادی از عوامل مخاطره‌آمیز وجود دارد که برخی از کودکان و نوجوانان را مستعد رشد رفتارهای ضد اجتماعی می‌کند. یافته‌ها رابطه بین شبکه روابط (0/72) تأثیرپذیری در بی‌سازمانی اجتماعی را که از نظریات مرتن، کلوارد و اوهلین استخراج گردیده بودند، مورد حمایت قرار دادند. همچنین این یافته‌ها همسو با تحقیقات رفیع‌پور (1389)، فیروزجائیان (1396) و احمدی (1393) است. از نظر مرتن، جرم و بزه از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشأت می‌گیرد. همه افراد جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند و وفاقی جمعی درباره ارزش‌ها، بایدها و نبایدهای در جامعه وجود

1-Shaw and McKey

دارد، ولی چون افراد جامعه به لحاظ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در موقعیت‌های مختلفی قرار دارند، بنابراین برای درک ارزش‌های مشترک شرایط یکسانی ندارند و چنین وضعی ممکن است موجب ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی شود. در نهایت این‌که، بین یافته تحقیق بی‌سازمانی اجتماعی و سهولت یافتن همدست (0/68) تأثیرپذیری رابطه معنی‌داری وجود دارد، که در تأیید نظرات دورکیم و پارسونز<sup>1</sup> مبنی بر افزایش بزه و جرم در نتیجه تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی ناشی از تضعیف کارکرد نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه و همسو با تحقیق صادقی (1393)، فیروزجائیان (1395) می‌باشد. از نظر پارسونز، موسسات و سازمان‌های اجتماعی جزء عوامل اجرایی و شاخص‌های جامعه‌پذیری؛ متدهای رفتاری و درونی نمودن آنها در افراد است. در صورتی که نهادها و موسسات جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدارس و وسایل ارتباط جمعی کارایی و اثربخشی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌نظمی و بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و نتیجه آن شیوع رفتار انحرافی در جوامع است.

### پیشنهادها

در راستای نتایج به دست آمده و توضیحات ارائه شده فوق، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای کاهش و جلوگیری از بزهکاری نوجوانان که خود می‌تواند زمینه را برای بروز آسیب‌های دیگر در جامعه فراهم نماید، ارائه نمود:

- با ایجاد و تقویت کانون‌ها و انجمن‌ها و سازوکارهای کنترلی محل سکونت می‌توان باعث جلوگیری از ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شد؛
- تقویت اعتماد متقابل به دیگران در دوران کودکی، نقش آموزش، بالا بردن مهارت‌های ارتباط با دیگران و جامعه‌پذیر کردن افراد توسط خانواده می‌تواند نقش اساسی در کاهش بزهکاری داشته باشد؛
- از آنجا که تعامل با همسالان بزهکار بیشترین نقش را در بی‌نظمی و بزهکاری نوجوانان در این پژوهش به خود اختصاص داده، پیشنهاد می‌شود که بر رفتارها و

1 - Durkheim and Parsons

عملکرد نوجوانان، معاشرت و دوستان آنها، از طرف والدین، کنترل و نظارت وجود داشته باشد؛

- همچنین با توجه به رابطه معنی‌داری و معکوس شبکه روابط و بی‌سازمانی اجتماعی در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد، والدین اعتماد و ارتباط متقابل بین اعضای افراد خانواده را تقویت نمایند، به گونه‌ای که وقت زیادی را صرف بررسی مسائل خانواده خویش نموده و ارتباط کافی با یکدیگر و فرزندان خود برقرار نمایند و کارکنان مدارس و نهادهای ذیربط با ایجاد کلاس بحث، گفت‌وگو و آموزش‌های ویژه در مدرسه در مورد مسائل خاص نوجوانان، خودآگاهی نوجوانان را در مواجهه با آن مسائل، افزایش دهند؛

- تشویق نوجوانان جهت شرکت در فعالیتهای فوق برنامه مانند علمی، ورزشی، هنری، روزنامه دیواری، نمایشگاه، اردو که مستلزم کار گروهی دانش‌آموزان می‌باشد. زیرا این گونه فعالیت‌ها باعث پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان می‌گردد و خود به خود زمینه کاهش ارتکاب به بزهکاری را کاهش می‌دهد.

### تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب سپاس خود را از زحمات همکاران محترم معاونت اجتماعی فرماندهی نیروی انتظامی استان قزوین که در زمینه پیشبرد اهداف پژوهش حاضر همکاری کردند، تقدیم می‌دارم.

- احمدی، سیروس (1393). بررسی رابطه میزان کنترل اجتماعی و بی‌نظمی در بین شهروندان شهر دهدشت. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره 2.
- اسفندیاری، م (1381). نقش آموزش و پرورش در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، نشریه همبستگی، دوره 10، شماره 14.
- بیدل، پری ناز و محمودزاده، علی اکبر (1391). بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی، مطالعه موردی شهر مشهد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره 5، شماره 2.
- جلالی پور، حمیدرضا و حسینی‌نثار، مجید (1387). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی)، شماره 14، دوره سوم.
- لطفی خاچکی، طاهره و فیروزجاییان، علی اصغر (1395). تأثیر ضعف کنترل اجتماعی بر بی‌نظمی اجتماعی فیزیکی شهروندان تهرانی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 48.
- سرهنگزاده، مرضیه و ظروفی، مجید (1394). بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری دانشجویان شهر هریس. مطالعات جامعه‌شناسی، سال 6، شماره 22.
- رفیع پور، فرامرز (1389). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- فاطمی، داود (1395). بررسی نقش خانواده در بزه‌کاری فرزندان (نوجوانان پسر شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی؛ سال پنجم، شماره 14؛ شماره سوم.
- فیروزجاییان، علی اصغر (1396). تحلیل جامعه‌شناختی بی‌نظمی (فیزیکی - اجتماعی) در فضای شهری. فصلنامه توسعه محلی (روستایی - شهر)، دوره نهم، شماره 1.
- فیروزجاییان، علی اصغر و غلامرضا زاده، فاطمه (1395). تحلیل عوامل مؤثر بر بی‌نظمی اجتماعی (با تأکید بر رفتار زباله پراکنی). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال 27، شماره پیاپی (61)، شماره اول.
- فتحی، اقدم قربان و یسنگ، پیمان (1389). بررسی رابطه اختلالات یادگیری با بزهکاری در بزهکاران مستقر در کانون اصلاح و تربیت تهران. نشریه علوم رفتاری، دوره 2، شماره 3.
- صادقی فسایی، سهیلا و امینیان، احسان (1393). تحلیل جامعه‌شناختی نظم اجتماعی با توجه به انواع هنجارگرایی و عوامل اجتماعی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره 2.
- مبارکی، محمد (1385). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. پایانامه کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

– نیک‌منش، زهرا و زند وکیل، مریم (1394). تأثیر آموزش مثبت‌نگری بر کیفیت زندگی، افسردگی، اضطراب و استرس بزهکاران نوجوان. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، سال اول، شماره دوم.

– Deutsch, A.R., Crockett, L.J., Wolff, J.M., & Russell, S.T. (2012). Parent and peer pathways to adolescent delinquency: Variations by ethnicity and neighborhood context. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(8), 1078- 1094.

117

– Elliot, Mabel A and Francis E Merrill. (2000). «Social Disorganization». New York: Harper and Brothers Publishers.

– Faris, Robert E. .(1998) «Social Disorganization». New York: The Ronald Press Company.

– Shaw, Clifford R and McKey Henry D(2007) «Juvenile Delinquency and Urban Areas». Chicago: University of Chicago Press.

– Ross, Catherin and Sung Joon jang (2010), Neighborhood Disorder Fear and Mistrust: The Buffering Role of Social Ties with Neighbors, *American Journal Community Psychology*, Vol. 28: 403-421.

– McCrea, Rod. Shyy, Tung-kai . John, Western and Robert J. Stimson. (2005), Fear of Crime in Brisbane: Social and neighbourhood factors in perspective, *Jornal of Sociology*, 2005 The Australian Sociology Association, Volume, 41(1):7-27.

– Pissar,y (2019)Evolution of Juvenile Delinquency Phenomenon and Re-Socialization of Delinquent

– Minors in Romania, *Journal of Advances in Social Science and Humanities* Vol. 12: 13-21.